

السلام عليك يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك قد اقيمت الصلوة
و اتيت الزكوة و امرت بالعرف و نهيت عن المنكر
و تلوت الكتاب حق تلاوته و جاهدت
في الله حق جهاده

مکتب حسینی که از آغاز این ماه افتتاح شده و تا دو ماه تمام بروی مردم گشوده است
دوستانان حسین مردم جهانرا دعوت میکنند تا از این مکتب کسب فضیلت کرده و معنای حق
را دریابند. در هر گوشه و کنار شب و روز علاقمندان باین مکتب که با پرچم سیاه مشخص
گردیده و روی آن نام مقدس حسین مظلوم خودنمایی میکند دسترسی دارند و باروتی کشاده
پذیرائی میشوند.

حسین بن علی علیه السلام یکی از رهبران الهی و عزیزترین امامان شیعه است که در
سختترین مواقف با قدرتی فوق توانائی بشر ایستاد و در راه حق همه چیز خود را فدا کرد.
پیروان آل عصمت علیهم السلام که بقای اسلام را در احیاء نام حسین و یادآوری مصائب جانگداز
او میدانند نام مقدس او را زنده نگاهداشته و با شوری تمام در ماتم او میگیرند و بذل هر اندازه
مال را در این راه ناچیز میشمردند چه آنها عقیده دارند که علاوه بر ثواب اخروی در راه اصلاح
اخلاق جامعه و بیدار کردن فضایل ذاتی مردم و بالاخره تحصیل عزت و سعادت و اجتناب از
زبونی و ذلت نتایج بزرگی میگیرند این است که در این روزها از هر کجا بگذرید چراغ تابناک
حسینی فروزان و جلوه نور او که نور حق است دیدگانرا خیره میکند.

هر کجا مینگریم نور رخس جلوه گر است هر کجا میگذریم جلوه مستانه او است
پیغمبر اسلام در باره حسن و حسین نواده های گرامش فرمود «ابنای هذان امامان

قاما او قعدا * این دو پسر پیشوا و امامند چه در امر حق قیام کنند یا نکنند . مصالحه حضرت حسن با معاویه و نهضت حسینی در برابر پسرش بزید هر دو پیروی از حق و اعلاء کلمه توحید بود . حسین بن علی ابن عنصر شجاعت و نمونه بارز فضایل انسانیت اگر بشهادت هم نهمیرسید باز هم نقصانی در فضیلت او راه نیافته با سرمایه شجاعت اخلاقی و کمالات و فضایل ذاتی خود شخصیتی با عظمت و امام مقتدا و مفترض الطاعه بود برای آشنائی کاملتری بروح مقدس حسینی و شناسائی بیشتر آن بزرگوار باید زوایای حال او را بدقت مشاهده کرد و دقایق زندگانی پرافتخار وی را از نظر دور نداشت .

کودکی شش سال و نیم بود که جدگرا امی رسول خدا و مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیهما از دنیا رفتند . سی و شش سال زمان پدرش علی علیه السلام را درک فرمود و آنچه باید از سرچشمه فضیلت پدر سیراب شد و ناظر فداکاریها و جانبازیهای پدر در راه خدا بود و بچشم خود میدید که پدر بزرگوارش علی چگونگی در راه اجرای حق و عدالت بیاریکی مو حساب میکشید ، در زمان امامت برادرش حضرت مجتبی در برابر مهاشات آنحضرت بامردم و صلحجویی او با دشمن همچنان سکوت فرمود تا نوبت امامت باو و زمامداری و سلطنت به بزید رسید و دوران پر آشوب زندگی حسین آغاز شد .

امام در حال قیام امام سوم بدون هیچگونه منظوری جز خدا و داعیه ای غیر حق از مدینه بمکه آمد و از مکه آهنگ عراق کرد تا اساس کفر و ظلم بنی امیه را واژگون کند و پرچم عدالت را افراشته کاخ رفیع اسلام را پی ریزی نماید ، بخوبی میدانست که بانیری دشمن که از زمان معاویه بهترین سلاح و وسایل جنگ مجهز گشته و از هر جهت بر او ضاع تسلط دارند نمیتوان برابری کرد ولی این حقیقت را هم دریافته بود که باشهادت و مظلومیت هم میتوان شاهد پیروزی را در آغوش کشید و بجولان باطل خاتمه داد دولت ابدی حق را برقرار کرد او میرفت تا با ریختن خون خود و بهترین یاران و عزیزانش نهال اسلام را آبیاری کند پیش از آنکه طفیلیهای مودی کفر و نفاق و بادهای سموم تعدی و همکاری ریشه آنرا بسوزاند و شاخه های جوان و باطراوت آنرا خشک کند . این بود که بدوستان خود که بحکم عواطف دوستانه او را از رفتن باز میداشتند میفرمود من برای کشته شدن میروم و بدشمنان خود هم باصراحت تمام منظور مقدس خود را اظهار میکرد و باشکارا میفرمود سبب قیام من رویه ظالمانه بنی امیه

و حق کشی و تجاوز یزید به حقوق مسلمانان است . امام بنا بر وظیفه ارشاد و هدایت در هر حال از انجام این وظیفه باز نایستاد در راه مکه بعراق بهر کس بر میخورد او را بیاری خود که نصرت دین خدا بود خوانده و فطرت خدا پرستی و حق جوئی و حمایت مظلوم را در خفتگان بیخبر بیدار میکرد .

دست عنایت او که خود دست خدا بود برای ارشاد و هدایت بجانب دشمن هم دراز شد و تا آنجا که توانست با دشمنان احتجاج فرمود . بعمر سعد سر کرده سپاه ستمکار کسه به پیروی از نفس مهبیای ریختن خون امام شده بود فرمود : این قوم را ترك كن و بامن باش تا بخدا تقرب یابی او در پاسخ امام گفت : میترسم خانه ام را خراب کنند فرمود من برای تو میسازم گفت میترسم اموال و املاك و مزارع مرا مصادره کنند و از من بستانند فرمود من نیکوتر از آن در حجاز از مال خود بتو میدهم گفت میترسم متعرض خانوادهم شوند پس از آن دیگر حسین سخنی نگفت و از او رو برگردانید .

بدیهی است کسی که برای کشته شدن آماده گشته از این اصرار جز هدایت و ارشاد نظری نداشته است اصرار میورزید که شاید آن گرفتار شهوت را از دام هوای نفس و حب جاه برهاند منتهی چون با قلبی رو برو شد که از رنگ شهوت نقطه سفیدی در او دیده نمیشد او را ترك گفت و درباره اش نفرین فرمود همچنین روز عاشورا تا آخرین لحظه زندگی از موعظه و اتمام حجت فرو گذار نکرد در زیارت شریفه اش میخوانند اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت - الزكوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و دعوت الی سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه

و اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت - الزكوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و دعوت الی سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه